

امامت تداوم رسالت

قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان مسئولیت های پیامبر
کدام یک با رحلت ایشان پایان می پذیرد و کدام یک تداوم دارد؟
در میان مسئولیت های سه گانه رسول خدا،

مسئولیت اول، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم،

با ختم نبوت پایان می پذیرد و کتاب قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و نیازی به آوردن کتاب جدیدی نیست.

مسئولیت دوم تعلیم و تبیین دین مرجعیت علمی

مسئولیت سوم ولایت و حکومت

اما مسئولیت دوم و سوم چگونه ادامه پیدا خواهد کرد؟

برای این مسئله سه فرضیه مطرح می شود

۱- قرآن کریم و پیامبر اکرم در این باره سکوت کرده اند؛

۲- همچون مسئولیت اول، پایان این دو مسئولیت را نیز اعلام نموده اند؛

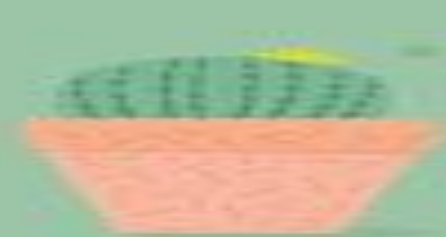
۳- جانشین را تعیین نموده و دو مسئولیت تعلیم و تبیین دین و ولایت و

حکومت را بر عهده وی قرار داده اند.

بطلان فرض اوّل روشن است؛ زیرا قرآن کریم، هدایتگر مردم در همه امور زندگی است؛ و ممکن نیست نسبت به این دو مسئولیت مهم که به شدّت در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیرگذار است بی تفاوت باشد. همچنین پیامبر اکرم آگاه ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسئولیت هاست و نمی تواند از کنار چنین مسئله مهمی با سکوت و بی توجهی بگذرد. در حقیقت، بی توجهی به این مسئله بزرگ، خود دلیلی بر نقص دین اسلام است؛ و این در حالی است که دین اسلام کامل ترین دین الهی است.

فرض دوم نیز صحیح نیست زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از رسول خدا نه تنها از بین نرفت، بلکه افزایش هم یافت؛ زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن گونه که پیامبر اداره می کرد، اداره نماید، افزون تر می شد.

علاوه بر اینکه اصولاً حکومت و اداره جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام شدنی و پایان پذیر نیست و همواره جامعه نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه رسول خدا را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید.



بنابراین، تنها فرض سوم،
منطقی و قابل قبول است؛
یعنی رسول اکرم به فرمان
خداوند، به تداوم تعلیم و تبیین
دین و دوام حکومت پس از خود
به شکل **امامت** فرمان داده و
جانشین خود را تعیین کرده
است و مانع تعطیلی این دو
مسئولیت شده است.



تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا روشن شد، این سؤال پیش می آید که چه کسی امام را معین و معرفی می کند و چگونه می توان او را شناخت؟

از آنجا که امام همه مسئولیت های پیامبر اکرم جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد. بنابراین، باید همان صفات و ویژگی های پیامبر را نیز داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی های او را است. البته تشخیص عصمت برای انسان ها ممکن نیست؛ «عصمت» پذیرند. از جمله این ویژگی ها یعنی انسان ها نمی توانند تشخیص دهند که چه کسی معصوم است و مرتکب هیچ گناهی نمی شود. بنابراین، همان طور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می شود، تنها خداوند است که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، و به مردم پیشنهاد کند.

با تدبیر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام درمی یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را به جانشینی رسول خدا و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده و نیز امامان معصوم پس از ایشان را معرفی کرده است.

در اینجا به برخی از آیات و روایات مربوط به این مسئله می پردازیم.

نزول آیه انذار: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد:

وَأَنْذِرِ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

خویشان نزدیکت را انذار کن.

برای انجام این دستور، رسول خدا چهل نفر از بزرگان بنی هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به دین اسلام فراخواند.

همه مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند. در میان سکوت آنان، علی بن ابی طالب که در آن زمان، نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا

درخواست پیامبر، سه بار مطرح شد و هر بار، همه سکوت کردند و تنها علی قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس

از آن، پیامبر دست آن حضرت را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود

نزول آیه ولایت: در یکی از روزها، نزدیک ظهر، فرشته وحی از جانب خداوند آیه ای بر پیامبر نازل کرد که در آن ویژگی های ولی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

همانا ولی شما خداوند و رسول اوست و مؤمنانی که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. مائده، ۵۵

با نزول این آیه، رسول خدا دریافت که چنین واقعه ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده است و

خداوند قصد دارد او را معرفی کند، با شتاب و در حالی که آیه را می خواند و مردم را از آن آگاه می کرد، به مسجد آمد و پرسید:

چه کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشتری در دست داشت، به حضرت علی که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

آری، این مرد در حال رکوع، انگشتری خود را به من بخشید.

مردم که از محتوای آیه با خبر شده بودند، تکبیر گفتند و رسول خدا نیز، ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

نزول این آیه در چنین شرایطی و اعلام ولایت حضرت علی از جانب رسول خدا، برای آن بود که مردم با چشم ببینند و از

زبان پیامبر بشنوند تا امکان مخفی کردن آن نباشد.



حدیث جابر

در یکی از روزها، در مدینه، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آیه ۵۹ سوره نساء را بر ایشان خواند که قسمتی از آن چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ

ای مؤمنان، از خدا اطاعت کنید و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید.

معمولاً وقتی آیه ای نازل می شد و حکم کلی موضوعی را بیان می فرمود، یاران نزد رسول خدا می آمدند و جزئیات حکم را می پرسیدند.

مثلاً وقتی که آیات نماز نازل شد، یاران می خواستند چگونه نماز خواندن را بدانند؛ پیامبر اکرم به مسجد آمد و به آنان فرمود:

این گونه که من نماز می خوانم، شما هم بخوان

آن گاه نماز خواندن را به آنان تعلیم داد. وقتی این آیه هم نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری نزد رسول خدا آمد و گفت:

یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته ایم. لازم است اولی الامر را نیز بشناسیم.

رسول خدا فرمود:

ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند

نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب، حسن بن علی، حسین بن علی،

علی بن الحسین، محمد بن علی؛ و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی،

سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی،

محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام و هم کنیه من است. اوست که از

نظر مردم پنهان می شود و غیبت او طولانی می گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی

می مانند



حدیث ثقلین

پیامبر اکرم به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می فرمود:

اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِیْ اَهْلِ بَیْتِیْ

مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَا لَنْ تَضِلُّوْا اَبَدًا

وَ اِنَّهُمَا لَنْ یَقْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْعَوْضَ

من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را. اگر به این دو تمسک جویند هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث متواتر است و آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب امام شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳، مراجعه کنید



حدیث منزلت

وقتی خداوند حضرت موسی را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی را پذیرفت و او را مشاور و وزیر وی قرار داد. پیامبر اکرم نیز بارها به حضرت علی فرمود:

أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّ أَنْهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي

تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی؛ جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.



حدیث غدیر:

پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را به جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به **حجَّه البلاغ و حجَّه الوداع مشهور است. در این حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند، تا روش انجام دادن اعمال حج را از رسول خدا فراگیرند و حج را با ایشان به جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذی حجه، در محلی به نام غدیر خم این آیه نازل شد:**

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای رسول، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان، و اگر چنین نکنی، رسالتش را نگزارده ای و خداوند تو را از مردمان حفظ می کند؛ خداوند، کافران را هدایت نمی کند

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم دستور داد همه توقف کنند تا پازماندگان پرسند و آنان که پیش رفته اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. آن حضرت در قسمتی از سخنرانی از مردم پرسید:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟

گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.

سپس فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

هر کس که من ولی و سرپرست اویم، علی نیز ولی و سرپرست اوست.

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن،

مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.

از آنجا که امام علی و دیگر امامان دو مسئولیت رهبری و مرجعیت دینی مسلمانان را پس از رسول خدا بر عهده دارند و کردار و گفتار آنان اسوه و راهنمای مسلمانان است، ضروری است که آنان نیز معصوم از گناه و خطا باشند. چنانکه توضیح داده شد، ضرورت داشتن این ویژگی، یکی از دلایل معرفی امام از جانب خداست در آیاتی از قرآن کریم و سخنان رسول خدا به این مسئله اشاره شده است. یکی از آنها نزول آیه تطهیر است.

أمّ سلمه، همسر رسول خدا می گوید: روزی ایشان در خانه استراحت می کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا وارد شد و سلام کرد. پیامبر پاسخ داد و ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه نزد پیامبر رفت و در کنار ایشان نشست. پس از وی حضرت علی، امام حسن و امام حسین آمدند. رسول خدا آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان این گونه دعا کرد:

خدایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن

در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد. **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**

همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد



با تفکر در این آیه در می یابیم که:

این آیه هرگونه گناه و پلیدی را از پیامبر اکرم ، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین دور می داند و آنان را معصوم از گناه و پلیدی معرفی می کند.

این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر را در بر می گیرد که مقام عصمت دارند؛ یعنی در اینجا افراد خاصی از اهل بیت مورد نظر است و شامل همه نمی شود

چون این تعداد خاص معصوم اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دین و بیان کننده دستورات الهی است. پیامبر اکرم برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت ها هر روز صبح،

هنگام رفتن به مسجد از در خانه فاطمه می گذشت و اهل خانه را اهل بیت صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.

تذکر: از آنجا که در زمان رسول خدا از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین حضور داشتند، در این داستان تنها نام

این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان دیگر پیامبر ، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده اند.



نتیجه گیری

با بررسی این آیات و امامی که گفته شد، روشن می شود:

پیامبر اکرم با هدایت و راهنمایی خداوند، حضرت علی و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده دار مسئولیت امامت اند.

لازمه این مرتبه از جانشینی، علم کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان گونه که رسول خدا این دو ویژگی را دارا بود.

حضرت فاطمه زهرا جزء اهل بیت است و اگرچه عهده دار امامت نبوده، اما علم و عصمت کامل دارد و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمه هدایت و رستگاری است.